

Modeling Official Political Education with an Approach to Training Informed and Active Political Actors (Integral) in the Islamic Republic of Iran

Majid Golparvar¹, Faramarz NavidTabrizi², Mehdi Hasani Bagheri³

¹ Assistant Professor, Department of Political Science, Baft Branch, Islamic Azad University, Baft, Iran
(Corresponding author). majidgolparvar@gmail.com

² Ph.D. Candidate, Political Science, Baft Branch, Islamic Azad University, Baft, Iran. faramarznavid@gmail.com

³ Assistant Professor, Department of Political Science, Faculty of Humanities, Baft Branch, Islamic Azad University, Baft, Iran. mehdihasanib51@gmail.com

Abstract

The present study seeks to develop a model that meets the political needs of the present and future of the Islamic Republic of Iran, aiming to answer the question: "What components and characteristics should a political education model, suitable for the historical experience and current and future needs of the Islamic Republic of Iran, possess to train informed and active political actors?" This research employs the interpretive phenomenology method, which elucidates the interpretation of phenomena as understood from different perspectives by individuals, and the application of the integral theoretical framework that includes non-exclusion, acceptance of pluralism, creating intersubjective space, and recognition of the other. The research results showed that the political education model derived from this study, with its unique characteristics, can simultaneously achieve informed and active political actors from four perspectives: objective, subjective, intersubjective, and interobjective. However, it appears that due to reasons such as looking towards Western, Eastern, or Islamic models and the inefficacy of each, political education has not resulted in consciously and actively political actors. Therefore, the most important mechanisms and essentials of the political education model that can lead to conscious and active political actors in the Islamic Republic of Iran align with the integral theoretical framework, which is achieved through simultaneous consideration of these four perspectives.

Keywords: Official political education, Informed actors, Active political actors, Integral method, Islamic Republic of Iran.

Received: 2022-11-27 ; Received in revised form: 2023-01-05 ; Accepted: 2023-02-02 ; Published online: 2023-12-21

<https://doi.org/10.22034/SM.2023.1973771.1973>

© the authors

<http://sm.psas.ir>

Article type: Research Article

Publisher: Political Studies Association of the Seminary



الگوسازی تربیت سیاسی رسمی با رویکرد تربیت کنشگران آگاه و فعال سیاسی (انتگرال) در جمهوری اسلامی ایران

مجید گل‌پرو^۱، فرامرز نویدتبریزی^۲، مهدی حسنی باقری^۳

^۱ استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد بافت، دانشگاه آزاد اسلامی، بافت، ایران (نویسنده مسئول). majidgolparvar@gmail.com

^۲ دانشجوی دکتری، علوم سیاسی، واحد بافت، دانشگاه آزاد اسلامی، بافت، ایران. faramarznavid@gmail.com

^۳ استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، واحد بافت، دانشگاه آزاد اسلامی، بافت، ایران. mehdihasanib51@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر در راستای دستیابی به الگویی متناسب با نیازهای سیاسی حال و آینده جمهوری اسلامی ایران کوششی برای پاسخ دادن به این پرسش است که: الگوی تربیت سیاسی متناسب با تجربه تاریخی و نیازهای حال و آینده جمهوری اسلامی ایران که منتج به تربیت کنشگران سیاسی آگاه و فعال گردد، دارای چه مولفه‌ها و ویژگی‌هایی است؟ در این پژوهش از روش پدیدارشناسی تفسیری که تفسیر از پدیده‌ها را تصریح می‌کند، آنگونه که در چشم‌اندازهای مختلف از سوی افراد درک می‌شوند؛ و نیز به‌کارگیری چارچوب نظری انتگرال عدم طرد، پذیرش تکثرگرایی، ایجاد فضای بین‌الذهانی و به رسمیت شناختن دیگری استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان داد، الگوی تربیت سیاسی حاصل از پژوهش حاضر با داشتن ویژگی‌های منحصربه‌فرد می‌تواند به‌طور همزمان با نگاه از چهار منظر عینی، ذهنی، بیناعینی، بین‌ذهنی به کنشگر آگاه سیاسی فعال دست یابد. اما به نظر می‌رسد به دلایلی چون نگاه به الگوی غربی، شرقی یا اسلامی و سایر الگوها، و ناکارآمدی هر یک از الگوها، تربیت سیاسی منجر به کنشگری آگاهانه و فعالانه سیاسی نشده است. لذا، مهم‌ترین سازوکار و بایسته‌های الگوی تربیت سیاسی که می‌تواند منجر به کنشگری آگاهانه و فعالانه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران شود، مطابق رویکرد چارچوب نظری انتگرال است که به واسطه همزمان نگاه کردن از این چهار منظر حاصل می‌شود.

واژه‌های کلیدی: تربیت سیاسی رسمی، کنشگران آگاه، کنشگران فعال سیاسی، روش انتگرال، جمهوری اسلامی ایران

استاد به این مقاله: گل‌پرو، مجید؛ نویدتبریزی، فرامرز؛ حسنی باقری، مهدی (۱۴۰۲). الگوسازی تربیت سیاسی رسمی با رویکرد تربیت کنشگران آگاه و فعال سیاسی (انتگرال) در جمهوری اسلامی ایران. *سیاست متعالیه*، ۱۱(۴): ۲۱۱-۲۳۴.

<https://doi.org/10.22034/SM.2023.1973771.1973>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۰۶؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۱۰/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۳؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۰/۰۱

<http://sm.psas.ir>

© نویسنندگان

نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: انجمن مطالعات سیاسی حوزه



۱. مقدمه

از یک سو پیچیدگی روزافزون عصر حاضر و تراکم مناسبات و رقابت‌های سیاسی، فهم این مناسبات بسیار پیچیده را از طرف شهروندان، تصمیم‌گیران و رهبران ضرورت بخشیده است. از سوی دیگر، بازنگری در الگوهای تربیت سیاسی رسمی و دستیابی به الگوهای نوین متناسب با تجارب تاریخی و موقعیت‌های خاص هر کشور از جانب دولت‌ها را به منظور تربیت شهروندان، تصمیم‌سازان و رهبرانی آگاه و کنشگرانی فعال در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی به امری حیاتی مبدل ساخته است. دغدغه تربیت سیاسی یکی از مباحث مهم اندیشه سیاسی است که همواره ذهن متفکران را به خود مشغول داشته و امروزه با رشد مادی و معنوی جوامع بشری اهمیتی روزافزون یافته است؛ زیرا تربیت سیاسی به عنوان فرایندی هدفمند به‌شمار می‌آید که از انحراف و به هدر رفتن منابع مادی و انسانی جلوگیری می‌کند.

راهنمایی شایسته، بخشی اساسی از «تربیت سیاسی رسمی» در هر جامعه محسوب می‌شود. از این رو تبیین آن نیازمند آن است که مجموعه‌ای از گزاره‌های مدلل و مدون، چپستی، چرایی و چگونگی آن را بر پایه فلسفه تربیتی خاص آن جامعه برعهده گیرد، تا هدایت، جهت‌دهی، تحول و اصلاح مداوم این بخش مهم از جریان تربیت با توجه و التزام به چنین مجموعه‌ای صورت پذیرد. تربیت سیاسی رسمی نظیر سایر پدیده‌های اجتماعی امری تاریخی است که باید متناسب با مقتضیات زمان و مکان، تکوین و تحول یابد. لذا، الگوی نظری واحد و جهان‌شمولی از آن وجود ندارد. البته تصور نادرست وجود الگویی یگانه از تربیت رسمی سبب شده است تا الگوی نظری رایج در کشورهای غربی، در نظام‌های تربیتی دیگر جوامع جهان نیز مورد پذیرش قرار گیرد. حال آنکه چنین الگویی از یک سو نمی‌تواند زمینه توسعه و تحول مناسبی را برای جوامع غیرغربی فراهم آورد، و از سوی دیگر، موجب انقطاع این جوامع از پیشینه فرهنگی و تاریخی خود و انفعال فرهنگی آنها نسبت به فرهنگ مسلط جهانی خواهد شد. بنابراین، می‌توان مدعی شد که هر کشوری برای انواع تربیت سیاسی رسمی خویش می‌بایست، براساس مبنای فکری، پیشینه فرهنگی و فلسفه تربیتی خاص جامعه خویش، مدل و الگویی تدارک ببیند، که مبتنی بر مبانی فلسفی ویژه خود بوده و الگوهای نظری آن ریشه در جهان‌بینی آن فرهنگ داشته باشد.

در این راستا، پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این پرسش است که الگوی تربیت سیاسی متناسب با تجربه تاریخی و نیازهای حال و آینده جمهوری اسلامی ایران که منتج به تربیت کنشگران سیاسی آگاه و فعال می‌گردد، چیست؟ و

این الگو باید دارای چه مؤلفه‌ها و ویژگی‌هایی باشد؟

۲. پیشینه پژوهش

سلحشوری، یداللهی فر و خنکدار طارسی (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «مبانی و مؤلفه‌های تربیت سیاسی از دیدگاه امام خمینی»، نشان دادند که در نگاه امام خمینی، موضوع سیاست، تربیت است و ایشان عمده‌ترین مؤلفه‌های تربیت سیاسی را توحیدمحوری، تزکیه‌محوری، اخلاق‌محوری و فطرت‌محوری می‌دانند.

فوزی و کریمی بیرانوند (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «نقش حکومت در تربیت: بررسی مقایسه‌ای دیدگاه افلاطون و امام خمینی»، به بررسی نقش حکومت در تربیت جامعه در نگاه این دو متفکر پرداخته و ضمن واکاوی ریشه آنها، این اختلاف را در سه عرصه برمی‌شمارند: مدل تربیت براساس دیدگاه افلاطون خطی در نظر گرفته می‌شود، در حالی که مدل امام خمینی تکاملی است. با توجه به محتوای روند تربیتی، افلاطون احکام عقلی را کافی می‌داند، اما امام خمینی به عقل قلب، حس و وحی اشاره می‌کند. از نگاه افلاطون، حاکم دانا کسی است که در صحنه عمل، مسئولیت اصلی تربیت را دارد، اما امام خمینی عوامل فردی، مدنی و حکومتی را تحت اراده الهی می‌داند.

رهنما، سبحانی‌نژاد و علیین (۱۳۷۹)، در پژوهشی با عنوان «بررسی تحلیلی مبانی، اصول و روش‌های تربیت سیاسی از منظر امام علی (ع) در نهج‌البلاغه»، نشان دادند که مبانی و اصول تربیت سیاسی اسلامی در نهج‌البلاغه احصاء شده است.

افتخاری و مهجور (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «الگوی تربیت سیاسی از دیدگاه شهید مطهری»، تربیت سیاسی را در زمره برجسته‌ترین مشخصه‌های تربیتی افراد در جوامع در نظر می‌گیرند که با ورود قدرت سیاسی به عرصه‌های مختلف زندگی انسان‌ها و تحت تأثیر قرار دادن انسان‌ها، مناسب است که برنامه‌ریزی خوبی برای دستیابی بهتر و صحیح‌تر به آن وجود داشته باشد. آنان همچنین بر این باورند که نظام‌ها و اندیشه‌های سیاسی مختلف در تلاش هستند تا با استفاده از روش‌ها و شیوه‌های مختلف به این هدف حیاتی برسند، تا افراد در جامعه همسو با اطلاع از جایگاه و نقش خود، در نظام سیاسی مدنظر خود نیز نقشی ایفا کنند.

برزگر و همکاران (۱۳۹۸) نیز در پژوهشی با عنوان «تربیت سیاسی: اهداف، سازوکارها و بایسته‌های روشی آن»، بر آن هستند که امروزه، فرایند توسعه سیاسی مستلزم تربیت سیاسی و مدنی بخشی بوده و کلیدی‌ترین رهیافت به منظور تربیت شهروند است که در راستای فراهم آوردن حاکمیت و وحدت ملی، ایفاگر نقشی بسیار مهم است. در همین راستا آنان به بررسی ماهیت تربیت سیاسی، اهداف، یافتن سازوکار و روش

تربیت سیاسی مناسب در ایران مبادرت می‌ورزند.

غنی‌لو و شریفی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «بررسی مبانی نظری تربیت سیاسی و اجتماعی»، تربیت را یکی از اصلی‌ترین مباحثی که در جوامع امروزی مطرح است، معرفی می‌کنند. به اعتقاد این پژوهش، تعلیم و تربیت به‌عنوان نیاز دیروز و امروز بشر درگذر زمان به شکل‌های مختلفی اعمال شده و انواع گوناگونی از جمله جسمانی، اخلاقی، روانی، اقتصادی، اجتماعی، دینی و سیاسی دارد. این پژوهش درصدد مشخص نمودن مبانی نظری تربیت سیاسی و اجتماعی است. از این‌رو، با بررسی تربیت سیاسی از منظر شهید مطهری، نشان می‌دهد که فطرت مهم‌ترین عامل در تربیت سیاسی دانش‌آموزان است. براساس آیات قرآن کریم، الگوی یک شهروند سیاسی در شش اصل کلیدی «فطرت»، «عقلانیت»، «عدالت»، «کرامت»، «اختیار» و «مسئولیت» است. هدف از تربیت اجتماعی، جامعه‌پذیر کردن دانش‌آموزان بوده، که در تحقق این مهم، عوامل متعددی از جمله خانواده، گروه همسالان، رسانه‌ها و مهم‌تر از همه مدارس و معلمان تأثیرگذار هستند.

با توجه به پیشینه پژوهش می‌توان گفت که موضوع تربیت سیاسی گرچه مورد علاقه و توجه محققین بوده است، اما به نقش تربیت سیاسی متناسب با تجربه تاریخی و نیازهای حال و آینده جمهوری اسلامی ایران که منتج به تربیت کنشگران سیاسی آگاه و فعال گردد، کم‌تر پرداخت شده است. در این راستا، پژوهش حاضر درصدد بررسی این مهم برآمده است.

۳. مبانی نظری

از آنجا که تربیت سیاسی در عصر جدید با توجه به پیچیدگی‌های آن بر زندگی و رقابت‌های سیاسی، فهم این مناسبات را برای شهروندان و تصمیم‌گیرندگان ضرورت بخشیده است؛ در نتیجه هر دولت، حکومت و ساختاری را مجاب می‌کند تا تعریفی از آن ارائه دهد که در بسیاری اوقات هم منازعه‌آمیز است. عده‌ای آن را زعمات و تدبیر اداره امور یک مردم دانسته‌اند؛ همانند فرهنگ دهخدا که واژه سیاست را به «حکمرانی، ریاست، اداره امور، تدبیر امور، مصلحت‌اندیشی، دوراندیشی» و غیره معنا کرده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ص ۳۸). همچنین عده‌ای از نظریه‌پردازان غربی مانند فرانکل^۱، ماکیاولی، بومر، نیچه و غیره، علم سیاست را

1. Frankel

1. Machiavelli

1. Boomer

1. Nietzsche

«علم قدرت» دانسته‌اند و تدوین کلاسیک این تعریف را به «موریس دوورژه» برمی‌گردانند (دوورژه، ۱۳۷۷). اما عده‌ای دیگر از نظریه‌پردازان غربی، نظریه فوق را تعدیل کرده و بیان داشته‌اند که سیاست یعنی «علم دولت» و منظور علمی است که رفتار دولت را مورد بررسی و مورد مطالعه قرار می‌دهد (وینست، ۱۳۸۱). دو گروه اول و دوم، یکی بر غایت و دیگری بر روند سیاست توجه دارند و دسته سوم غایت سیاست را موضوع سیاست نمی‌دانند، بلکه به بُعد دیگری از آن توجه دارند. این پژوهش همزمان از چهار منظر رفتارهای فردی، نظام‌های جمعی، تجارب ذهنی فردی و ارزش‌ها و هنجارهای مشترک جمعی نگریسته شده است، و به سه رویکرد: کلاسیک، نگاه متجدد و نگاه فرهنگ اسلامی رسیده و از این چهار منظر، موضوع را واکاوی کرده است، تا به الگوی مورد نظر این پژوهش که الگوی تربیت سیاسی رسمی با رویکرد تربیت کنشگران آگاه و فعال در جمهوری اسلامی ایران است، برسد. در ادامه نگاهی اجمالی به این سه رویکرد خواهد شد.

۳-۱. رویکرد کلاسیک

افلاطون و پس از او شاگردش ارسطو، از جمله اندیشمندانی بودند که در حوزه سیاست باب سخن را آغاز نمودند. افلاطون نخستین فیلسوف و متفکر دنیای باستان است که با روشی مشخص، در موضوع سیاست می‌نوشت (ردهد، ۱۳۷۵). آرای او در سه کتاب «جمهوریت»، «سیاستمدار»، «قوانین یا نوامیس» بیشتر متبلور است. افلاطون پس از پی‌ریزی شهر آرمانی خود، به مسئله حاکم و زمامدار در این شهر می‌پردازد و اعتقاد دارد: «شهر خیالی او جز با حاکمیت حاکم فیلسوف تحقق نمی‌پذیرد» (افلاطون، ۱۳۸۶: ص ۱۱۵). بنابراین، از منظر چارک‌ها او تنها تواسه است از یک منظر به این رویکرد نگاه کند؛ درونی - ذهنی - فردی. اما ارسطو مؤسس علوم سیاسی و همچنین مطالعه ترکیبی فلسفه و سیاست بود (ردهد، ۱۳۷۵). روش ارسطو برخلاف شیوه افلاطون، متکی بر مشاهده تجربی بود و هنگام تشریح سیاست عملی در بنیادکار خود، بر تجربه‌گرایی تکیه داشت (پولادی، ۱۳۸۳). ارسطو نظریات خویش درباره سیاست را بیشتر در دو کتاب «سیاست» و «اخلاق نیکوماخوسی» ارائه داده است. بنابراین، از منظر چارک‌ها او توانسته از منظر بیرونی - عینی - فردی به آن نگاه کند.

۳-۲. رویکرد متجدد

نیکولو ماکیاولی نخستین اندیشمند برجسته‌ای است که تقریباً بعد از دو هزار سال پس از مرگ ارسطو، به مفهوم اندیشه سیاسی جان تازه‌ای بخشید و موضوع دولت و قدرت را در چارچوب جدیدی مطرح کرد و بنیاد اندیشه جدید سیاسی را پی‌ریزی نمود. نظریه‌های سیاسی او عمدتاً در دو کتاب «گفتارها» و «شهریار» آمده

است. در «گفتارها»، از جمهوری و ارزش‌ها دفاع می‌کند و در «شهریار» از چگونگی کسب و حفظ قدرت و ارزش‌های بنیادی امنیت سخن می‌راند (پولادی، ۱۳۸۳). از این رو وی به سبب تکوین دو نظریه «ناسیونالیسم» و جدایی «دین از سیاست» به گردن فلسفه سیاسی غرب حق بزرگی دارد (عنایت، ۱۳۹۹). ماکیاولی نیز تنها از منظر بیرونی - عینی - فردی به مسئله سیاست و تربیت نگاه کرده است. توماس هابز^۱ از روش منطقی و ریاضی برای پیشبرد نظریات خود بهره جسته است و در تدوین نظریه‌های سیاسی، یک نوع‌آوری و ابداع برجسته در عرصه اندیشه‌های سیاسی غرب به حساب می‌آید. وی به‌رغم شیوه فلاسفه سیاسی گذشته که بر چگونگی قدرت نظر داشتند، به چگونگی شناخت و ماهیت آن می‌پردازد. تحلیل روان‌شناسانه و مادی او از سرشت و ماهیت انسان، شبیه به دیدگاه ماکیاولی در کتاب «شهریار» است و به نظر او، مهم‌ترین امیال انسان، تمایل شدید او به کسب قدرت و توانایی اوست؛ این میل تا زمانی که انسان زنده است، با او همراه بوده و هیچ‌گاه وی را رها نمی‌کند؛ زیرا از طریق به دست آوردن قدرت بیشتر است که می‌تواند خود را از جمیع خطرات و تهدیدات مصون دارد (هابز، ۱۳۸۰). با این اوصاف، نظریات سیاسی او در رابطه با تربیت، منظرهای درونی - بیناذهنی - جمعی و، بیرونی - بیناعینی - جمعی را پوشش می‌دهد. همچنین دیگر اندیشمندان فلسفه غرب مانند جان لاک، روسو^۲ و ... که در رابطه با تربیت سیاسی نظریه‌پردازی کرده‌اند، تنها از یک منظر یا دو منظر توانسته‌اند به این موضوع نظر بیافکنند.

۳-۳. رویکرد اسلامی

در ادامه با بررسی سیاست در رویکرد اسلامی از زوایای تاریخی، برخی اندیشمندان، تاریخ تأملات سیاسی در اسلام را به سه دوره تقسیم کرده‌اند:

۱) در دوره اول بیشترین تأملات سیاسی در مفاهیم علم کلام پایه‌ریزی می‌شود. بحث‌های بنیادین در خصوص خلافت، امامت، ولایت، عدالت، جبر و آزادی و غیره، نمونه‌های بارز مباحث سیاسی قلمداد شده، که در این دوره به آن پرداخته می‌شود (شفیعی قهفرخی، ۱۳۹۰).

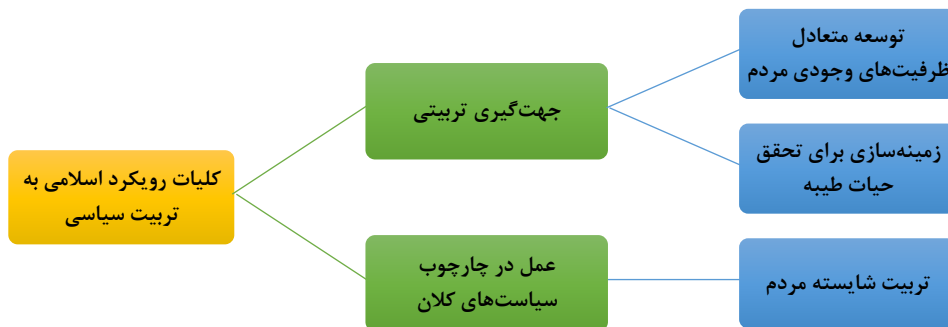
۲) در دوره دوم که از غیبت کبری آغاز می‌شود، مباحث سیاسی در جریان تأملات عقلی و فلسفی رشد می‌کند (شفیعی قهفرخی، ۱۳۹۰). آشنایی مسلمانان با فلسفه یونان، تأثیر قابل ملاحظه‌ای در تکوین اندیشه

-
1. Thomas Hobbes
 2. John Locke
 2. Rousseau

سیاسی در مبانی فلسفی می‌گذارد. در این دوره با بهره‌گیری از مبانی عقلی و سنت‌های فلسفی یونان، مباحث عمده‌ای پیرامون معرفت سیاسی و ارائه مدینه فاضله در بخش حکمت عملی مطرح می‌گردد. فارابی، ابن مسکویه رازی، خواجه نظام‌الملک، ابن‌سینا، امام محمد غزالی، خواجه نصیرالدین طوسی و غیره، از متفکران این دوره‌اند.

۳) در دوره سوم مباحث سیاسی در قالب ابواب فقه مثل امر به معروف و نهی از منکر، باب جهاد، باب قضا، باب وکالت و دیگر ابواب تکوین یافته است. این دوره تقریباً از زمان حمله مغول به ایران (قرن ۷) آغاز می‌شود و تا قرن ۱۴ ادامه می‌یابد (شفیعی قهفرخی، ۱۳۹۰).

بنابراین، همانطور که در مباحث فوق در رابطه با رویکرد اسلامی اشاره شد؛ هر کدام از این دوره‌ها از یک و نهایتاً از دو منظر به سیاست و تربیت سیاسی پرداخته‌اند. به عنوان مثال در دوره اول، از نگاه و منظر بیرونی - عینی - فردی به مباحثی چون خلافت، امامت، عدالت و غیره پرداخته شده و در دوره دوم از دو منظر درونی - ذهنی - فردی، و بیرونی - عینی - فردی به آن پرداخته شده است، و دوره سوم از یک منظر بیرونی - عینی - فردی توانسته مناسبات خود را تکوین دهد. لذا، الگوی تربیت سیاسی مورد نظر این پژوهش ویژگی‌هایی دارد، تا با برخورداری از قابلیت‌های خود که درهم‌آمیختگی و یکپارچه‌سازی تمام چارک‌ها و مناظر آن است، بتواند الگوی تربیت سیاسی رسمی با رویکرد تربیت کنش‌گران آگاه و فعال در جمهوری اسلامی ایران در عصر و زمانه پیچیده حاضر را فراهم سازد.



شکل ۱- کلیات رویکرد اسلامی به تربیت سیاسی

در جدول شماره (۱) سه رویکرد کلاسیک، مدرن و اسلامی مقایسه شده و دیدگاه متفکران آن به طور ایجاز آمده است.

جدول ۱- قیاس رویکردها و نگاه با منظرهای چهارگانه

دیدگاه	اندیشمند	گزیده نظر	تبیین سیاست	چارک‌ها
کلاسیک	افلاطون	مهم‌ترین کار در سیاست، تربیت فیلسوفان برای فرمانروایی است. به واقع فضیلت فردی با فضیلت سیاسی یکی است (ارسطو، ۱۳۷۸)	تربیت	درونی-ذهنی-فردی
کلاسیک	ارسطو	دولت یا دولت‌شهر برای تحقق بالاترین ظرفیت‌های وجودی انسان و برای سعادت‌پدید آمده است (ارسطو، ۱۳۷۸).	تربیت-دولت	بیرونی-عینی-فردی
مدرن	مکیاولی	هدف عالی جامعه سیاسی در مصلحت، امنیت، سعادت توأم با قدرت در این جهان است. وی از چگونگی کسب و حفظ قدرت و ارزش‌های بنیادی امنیت دفاع می‌کند (پولادی، ۱۳۸۳).	قدرت	بیرونی-عینی-فردی
مدرن	هابز	با محور قرار دادن مفهوم قدرت در حوزه علم سیاست، به‌رغم شیوه فلاسفه سیاسی گذشته مبنی بر چگونگی قدرت و چگونگی شناخت و ماهیت آن می‌پردازد. یکی از مفاهیم مهمی که هابز در فلسفه خود طرح کرده است، «قرارداد اجتماعی» است. نظریه قرارداد اجتماعی به عنوان پایه و منشأ دولت در برابر نظریه حقوق الهی پادشاهان قرار می‌گیرد (عنایت، ۱۳۹۹).	قدرت-دولت	درونی-بین‌ذهنی-جمعی و بیرونی-بین‌اعینی-جمعی
مدرن	لاک	اساس نظریه سیاسی لاک در مورد منشأ تشکیل حکومت، قرار داد اجتماعی است (عالم، ۱۳۹۴).	دولت	درونی-بین‌ذهنی-جمعی
مدرن	روسو	از اندیشمندانی بوده که نظریه حاکمیت مردم و اراده عمومی را که اکنون جزء ارکان دموکراسی است، تدوین کرد. وی مشارکت سیاسی را به منزله فعالیت فرآیندی در خود-شکوفایی و خود-فرهیختگی فرد به‌شمار می‌آورد (پولادی، ۱۳۸۳).	تربیت-دولت	درونی-بین‌ذهنی-جمعی و بیرونی-بین‌اعینی-جمعی
اسلامی	فارابی	غایت انسان‌ها را سعادت، و تحقق سعادت را در پرتوی سیاست حکیمانه دانسته است، که در این صورت با حکمت ضروری می‌شود. وی بر این باور است که سیاست جزئی از علم مدنی بوده و کارکرد آن شناخت دولت و حکومت اسلامی است (فارابی، ۱۴۰۵ق).	تربیت-دولت	درونی-بین‌ذهنی-جمعی و بیرونی-بین‌اعینی-جمعی
اسلامی	ابن‌سینا	از نظر وی مشارکت به مفهوم احساس تعهد تک‌تک انسان‌ها برای حضور فعال در اجتماع و مدینه و برعهده گرفتن یک نقش ویژه است که در نتیجه آن، تعاون معاوضه و معامله به‌وجود می‌آید (ابن‌سینا، ۱۳۷۹).	دولت مشروع	بیرونی-عینی-فردی و بیرونی-بین‌اعینی-جمعی
اسلامی	خواجه نظام	در «سیاست‌نامه» مزید تلاش و همت وی، بر ایجاد و تثبیت یک حکومت متمرکز با ساختاری منظم و دقیق همراه است (نظام‌الملک، ۱۳۸۶).	قدرت-تربیت	درونی-ذهنی-فردی و بیرونی-عینی-فردی
اسلامی	امام خمینی	وی اهتمام اسلام به حکومت و روابط سیاسی و اقتصادی را نخست، فراهم آوردن شرایط لازم برای تربیت انسان مهذب و بافضیلت می‌داند؛ به این معنا که حکومت باید شرایط مساعدی برای تربیت انسان مؤمن فراهم آورد. حکومت اسلامی، اساساً دارای جهت‌گیری و کارکردی تربیتی است (عیسی‌نیا، ۱۳۸۷)	تربیت-حکومت مشروع	درونی-بین‌ذهنی-جمعی و بیرونی-بین‌اعینی-جمعی

با توجه به جدول شماره (۱)، می‌توان گفت که رویکردها توانایی چندوجهی و ادغام‌کنندگی ندارند، و تنها توانسته‌اند از یک یا دو زاویه به موضوع اصلی که تربیت سیاسی است، دسترسی پیدا کرده و پدیده‌های مورد نظر را شناسایی کنند.

۴. پرسش اصلی

الگوی تربیت سیاسی متناسب با تجربه تاریخی و نیازهای حال و آینده جمهوری اسلامی ایران که منتج به تربیت کنشگران سیاسی آگاه و فعال گردد، دارای چه مؤلفه‌ها و ویژگی‌هایی است؟

۵. روش پژوهش

پدیدارشناسی در پژوهش حاضر یک راهبرد تحقیق یا به عنوان یک نوع نگرش (مجموعه نظام خاصی که یک موضوع را بتوان در آن تحقیق کرد) مطرح است. این پژوهش با روش پدیدارشناسی، توصیف صریح و شناسایی پدیده‌ها را تصریح می‌کند. آنگونه که در موقعیت‌های خاص که -در ادامه پژوهش به آن پرداخته می‌شود- در چشم‌اندازهای مختلف از سوی افراد درک می‌شوند.

پدیدارشناسی به کسب فهم عمیق‌تری از ماهیت و معانی تجارب روزانه کمک می‌کند. پدیدارشناسی می‌پرسد این تجربه چیست و به چه می‌ماند؟ مفروضات تحت پژوهش پدیدارشناسی فرایند پیچیده‌ای از پدیده‌ها، ویژگی‌های شخصی و رفتارهای افراد مرتبط با پدیده مورد نظر و هر نوع مفاهیم دیگری است که در خصوص آن می‌توان از راه تحلیل تجارب زندگی، بهتر فهم نمود؛ و به نوعی بینش از طریق داده‌های گردآوری شده از مشارکت‌کنندگان در تحقیق دست یافت (نقیب‌زاده و فاضلی، ۱۳۸۵).

۶. چارچوب نظری

چارچوب‌های نظری مختلفی وجود دارد که بتوان در پژوهش‌ها از آنها بهره برد، تا تدوین یک پژوهش مقبول، از خطاهای کم‌تری برخوردار باشد. به دلیل مزیت روش انتگرال^۱ که در ادامه به آن پرداخته می‌شود، از این چارچوب نظری در این پژوهش استفاده شده است.

کین ویلبر، «انتگرال» را واژه‌ای به معنای یکپارچه کردن و ادغام، کنار هم آوردن، پیوند دادن، متصل کردن و دربرگرفتن تعریف کرده است؛ آن هم نه به صورت هم‌شکل کردن، و نه به صورت یکسان‌سازی همه

1. IMP (integral Methodological Pluralism)

تفاوت‌ها، رنگ‌ها و پیچ و خم‌های شگفت‌انگیز رنگین کمان رنگارنگ انسانی، بلکه به صورت یگانگی در چندگانگی مشترکات، در کنار تفاوت‌های شگفت‌انگیز. همچنین این اتفاق نه تنها در بین انسان‌ها، بلکه در کل کیهان اتفاق می‌افتد و درصدد یافتن دیدگاهی جامع‌تر (نظریه‌ای برای همه چیز) است که فضای مشترک مورد قبولی برای هنر، اخلاق، علم و دین ایجاد نماید. همچنین تلاشی صرف برای فروکاستن همه اینها به برش مورد علاقه کسی از یک هستی نباشد. ویلبر اعتقاد دارد که این مهم در صورتی میسر است که به سوی گسترش چارچوب یکپارچه‌کننده‌ای قدم برداشته شود و اجازه اتخاذ دعوی شناختی حاصل گردد. در این چارچوب می‌توان حقایق ناتمام را یکپارچه کرد و ادعاهای جزمی را کنار گذاشت. گذشته از آن، انتگرال فراپارادایمی است که آزمون‌های واقعی یا احکام رفتاری را بدون رجحان یک نوع از احکام، درهم می‌آمیزد و چون فراپارادایم است، به طور آگاهانه‌ای روش‌های اصلی درک‌های موجود از علم را با هدایت سه اصل یکپارچه‌ساز زیر به هم پیوند می‌دهد (فوس، ۱۴۰۱).

اصل اول، اصل عدم طرد: این اصل، دعوی صدق معتبر هر پارادایم را می‌پذیرد، مشروط بر اینکه، گزاره‌های بیان شده از طرف آنها، درباره پدیده‌هایی باشد که در همان پارادایم آشکار شده‌اند، نه وقتی که گزاره‌های صادر شده از طرف آن پارادایم درباره پدیده‌هایی باشد که توسط پارادایم‌های دیگر مقرر شده‌اند. در بنیانی‌ترین شکل، اصل عدم طرد، پارادایم‌ها را از ایفای نقش بیرون از مرزهایشان برحذر می‌دارد. به‌عنوان مثال، علوم تفسیری از نوع فرا اثبات‌گرا، از صدور احکام درباره پدیده‌های مقرر شده با آزمون‌های علوم طبیعی، منع می‌شوند، مگر اینکه آزمون‌هایی را به‌کار گیرند که پدیده‌های طبیعی را آشکار نماید (فوس، ۱۴۰۱).

اصل دوم، اصل پوشش و دربرگیرندگی: این اصل اشاره به این دارد که پارادایم‌ها صادق و کافی‌اند؛ اما بعضی از آنها، فراگیرتر یا کلی‌تر از پارادایم‌های دیگر هستند. این امر موجب می‌شود، بخشی از هر پارادایم صادق بوده و هیچ پارادایم تماماً نادرستی در کار نباشد. اصل پوشش و دربرگیرندگی، اجازه تخطی از اصل عدم طرد را نمی‌دهد، به این دلیل که این اصل تنها در مورد پدیده‌های همان جریان پارادایمی به‌کار گرفته می‌شود (فوس، ۱۴۰۱).

اصل سوم، اصل تقرر و تصویب: دآوری‌ها و احکام متقابل پارادایمی، براساس این اصل صورت می‌گیرد. اصل تقرر بیان می‌دارد که پدیده‌ها توسط رشته‌ای از رفتارها، پارادایم‌ها یا اعمال انجام شده از جانب فاعل شناخت مقرر می‌شود، یا به‌وجود می‌آیند. به‌عبارت دیگر، سوژگی (فاعلیت) منجر به شکل‌گیری جهانی پدیدارشناسانه (پدیداری) در فرایند شناخت همان جهان می‌شود. براساس این دیدگاه، وقتی دو پارادایم قیاس‌ناپذیر به نظر می‌آید، ناشی از منظر مقایسه‌یافته بوده و ادغام نافرجام دو پارادایم، امری پدیداری است، و نه

امری تجربی. اصل تقرر نشان می‌دهد پدیده‌هایی که به نظر چیزهایی ضدّ و نقیض می‌آیند، در واقع تجارب مختلف اما کاملاً سازگاری هستند که با عملکردهای مختلف به‌وجود آمده‌اند (فوس، ۱۴۰۱).

چارک‌ها: روش‌شناختی انتگرال مدعی وجود هشت روش، پارادایم یا قلمرو بنیادی وضع و تقرر پدیده‌ها است. در مجموع این هشت روش تحت عنوان چارک‌ها شناخته می‌شوند که چهار وجه غیرقابل فروکاستن هر موقعیت را نشان می‌دهد. چارک‌ها در کنار هم نشان‌دهنده ساحت‌های درونی و بیرونی فردی و جمعی است. پژوهش حاضر نیز از توجه به این چارک‌ها، به الگوی مورد بحث خود می‌رسد. در هر نظام زبانی، این ساحت‌ها در ضمائر به‌کار گرفته شده اول، دوم و سوم شخص متجلی می‌شود؛ به این صورت که ضمیر «من»، به ساحت درونی بینادهنی یا حوزه فرهنگی، «آن» به ساحت بیرونی عینی یا حوزه رفتاری و «آنها» به ساحت بیرونی بیناعینی، یا حوزه یا اجتماعی اشاره دارد. این چهار چارک در جدول شماره (۲) آمده است.

جدول ۲- چهار چارک (فوس، ۱۴۰۱)

چپ بالا	راست بالا
درونی- فردی تجاربمن	بیرونی- فردی رفتاران
ما درونی- جمعی فرهنگ‌ها	آنها بیرونی- جمعی سیستم‌ها
چپ پایین	راست پایین

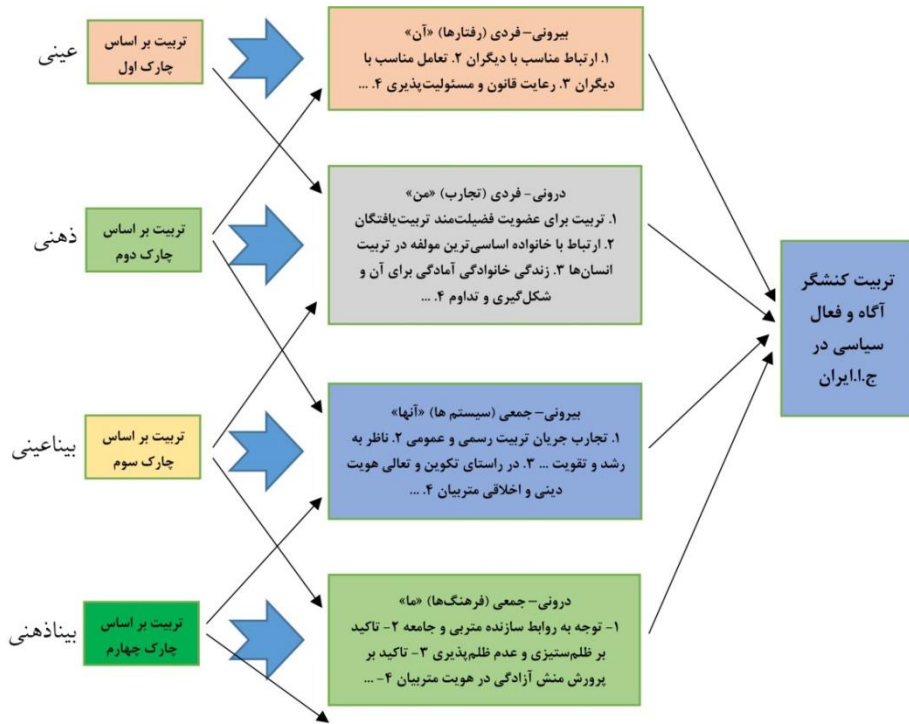
۷. مدل مفهومی

در یک الگو باید یک مدل مفهومی وجود داشته باشد، تا روابط بین متغیرها نشان داده شود و به‌مثابه نقشه راه، هدف مورد نظر الگورا پوشش دهد.

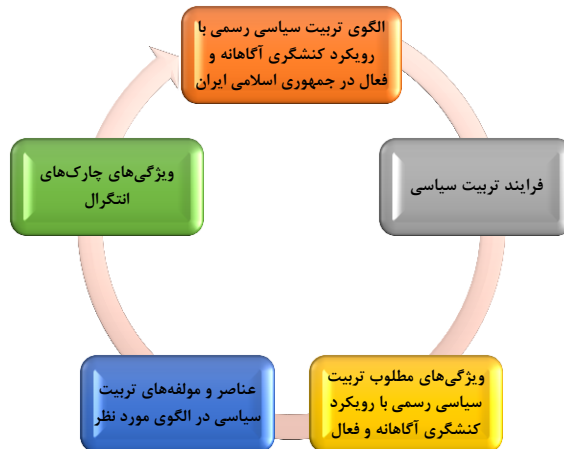
در مدل مفهومی پیش‌رو نشان داده خواهد شد که هرکدام از این چارک‌ها، مؤلفه‌ها و شاخص‌ها، و ارتباط بین آنها چگونه می‌تواند الگوی مورد نظر را به هدف خود که تربیت کنشگران آگاه و فعال در جمهوری اسلامی ایران است، رهنمون سازد.

در مدل مفهومی که در شکل (۲) آمده است، می‌توان روابط متغیرها جهت رسیدن به هدف مورد نظر را

بررسی کرد.



شکل ۲- مدل مفهومی تربیت سیاسی رسمی با رویکرد تربیت کنشگران آگاه و فعال در جمهوری اسلامی ایران



شکل ۳- فرایند تربیت سیاسی

۸. مبانی و شاخصه‌های تربیت سیاسی و کنشگری آگاهانه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران

تربیت سیاسی به‌عنوان بخش مهمی از تربیت اجتماعی و سیاسی و جریان تربیت رسمی و عمومی، قصد کسب شایستگی‌هایی را دارد که عوامل دخیل در این پدیده را قادر می‌سازد، تا با تربیت سیاسی به کنشگران آگاه و فعال تبدیل شوند و در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی به‌صورت فعال مشارکت داشته باشند. در چنین بستر تربیتی، ارتباط مناسب با دیگران (اعضای خانواده، خویشاوندان، دوستان، همسایگان)، تعامل قابل قبول با نهاد دولت و سایر نهادهای مدنی و سیاسی (رعایت قانون، مسئولیت‌پذیری، مشارکت اجتماعی و سیاسی، احترام به ارزش‌های اجتماعی)، تحصیل دانش و اخلاق اجتماعی و مهارت‌های ارتباطی، همدلی، صبوری، درک و فهم اجتماعی، درک و فهم سیاسی، درک و تعامل میان فرهنگی، عدالت اجتماعی، حفظ وحدت و تفاهم، تفاهم بین‌المللی، قابلیت‌های زبان ملی، محلی و جهانی مورد توجه خاصی قرار گرفته است (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰).

مبانی اَمّت واحده، خلافت الهی انسان و هدایت و اصول آزادی توأم با مسئولیت، برابری خلقت، اعمال حاکمیت الهی، مسئولیت، آشنایی با حقوق فردی، عدالت، ظلم‌زدایی و نفی سلطه بیگانه و استبداد، نمونه‌هایی از اهتمام به تربیت سیاسی از دیدگاه اسلامی است (جراحی دربان، بابازاده و رود مقدس، ۱۳۹۳). قانون‌مداری در حکومت، مردم‌گرایی، تقدم ارزش‌ها، صراحت در گفتار و رفتار و عدالت‌محوری برای تحقق اهداف الهی در سیره سیاسی حضرت علی (ع) نیز معرف اهتمام ویژه آن حضرت به تربیت سیاسی است (رهنما، سبحانی نژاد و علیین، ۱۳۷۹).

نظام آموزشی نقش مؤثری در تحولات اجتماعی و سیاسی دارد و می‌تواند متضمن بقاء یا اضمحلال نظام سیاسی و اجتماعی باشد. تربیت اجتماعی و سیاسی با توسعه توانمندی‌های شهروندی ارتباط دارد و اهداف آن الزاماً در ارتباط با انتظارات اعضای جوامع و ملت‌های خاص، مشخص می‌شود؛ چون آن‌ها دانش‌ها، ارزش‌ها و مهارت‌های همراه با مشارکت در زندگی جمعی یا مدنی را انتقال می‌دهند (محمدی پویا، صالحی و مومبوند، ۱۳۹۴).

دموکراسی براساس نظریه کنش ارتباطی یعنی همه‌چیز «در درون» و «از طریق» تعامل اجتماعی، یعنی از طریق کنشی انجام می‌شود که واقعاً «در جهت رسیدن به تفاهم» است. دموکراسی را باید فرایند یادگیری مشترک تلقی کرد. به‌عبارت دیگر، دموکراسی یعنی عبور دادن تصمیم‌های سیاسی از درون کنش‌های ارتباطی معطوف به رسیدن به منافع مشترک، که در حقیقت به ارزش‌های مشترک زبانی در فرایند کنش ارتباطی، تبدیل شده است. پژوهشگران معتقدند تنها از طریق دموکراسی می‌توان سیستم را به جهان زیست استعمار

نشده برگرداند و نمک عقلانیت فرهنگی را بر روی آن افزود و از این طریق تعادل و تکامل جامعه را تضمین نمود؛ و به سمت رهایی تاریخی قدم گذاشت (پیوزی، ۱۳۷۸: ص ۶۵-۱۶۴).

با این مقدمه، اکنون ادعا این است که آموزه‌های وحیانی قرآن، اشارات مهمی بر این دیدگاه دارد. براساس این آموزه‌ها، حوزه سیاست و عقلانیت سیاسی حاکم بر آن حوزه، با تمایلات ذاتی موجود در آن، که نشانگر علاقه‌مندی به کسب منافع یک‌سویه بی‌رویه است و نتیجه‌اش گسترش فساد اجتماعی از ابعاد مختلف و شکل‌گیری بحران اجتماعی است، تنها از طریق روی آوردن به اصل «مشورت» در مسیر آرمانی و مطلوب قرار می‌گیرد. استدلال بر آن است که تکیه قرآن بر اصل «مشورت» در امور دنیوی (سیاسی - اجتماعی و...)، دلالت‌های قابل توجهی برای نظریه‌پردازی اجتماعی مبتنی بر کنش ارتباطی خواهد داشت.

توجه قرآن به مسئله تعامل فرهنگ و سیاست و تلاش برای بازسازی نظریه کنش ارتباطی با بهره‌گیری از آن، با این ادعا صورت می‌گیرد که قرآن متصدی راهنمایی انسان‌های قرار گرفته در متن زندگی دنیوی با خصلت‌های متغیر اجتماعی و تاریخی می‌باشد. این راهنمایی به‌وسیله خدایی صورت می‌گیرد که دوگانگی زندگی انسان در روی زمین را که نیازمند برآوردن منافع فردی، اما به صورتی اجتماعی و در فرایند ارتباطی - بین‌الذنهانی است، را به رسمیت شناخته و انسان را با چنین وضعیتی تکوین کرده و هماهنگ با تکوین در عرصه تشریح نیز توصیه‌هایی ارائه کرده است. ورود قرآن به بحث درباره امور دنیوی در کنار بحث‌های اساسی درباره زندگی صددرصد معنوی نیز از همین ضرورت راهنمایی انسان برای تنظیم بهینه زندگی دنیوی قابل توجه است. آیات متعددی از قرآن کریم درباره دنیا، ثروت، تجارت و معامله، ملک و سلطنت، شورا و مشورت، تاریخ و قصه اقوام و ملل، پادشاهان و صدها مفهوم دیگر ذاتاً دنیوی، است.

۹. مؤلفه‌های مدل و الگوی نظری تربیت سیاسی برای جمهوری اسلامی ایران

منظور از الگوی نظری «طرح‌واره مفهومی نظام‌مندی متشکل از عناصر مربوط به جریان تربیت و روابط میان آن‌ها است که پاسخ‌های مستدل و عامی را برای هدایت مریدان در عمل تربیتی فراهم می‌آورد».

هر الگوی نظری شامل چهار مؤلفه است: حدود؛ قلمرو؛ رویکرد؛ و اصول.

بنابراین، در الگوسازی تربیت سیاسی برای جمهوری اسلامی ایران، ابتدا مؤلفه‌های چهارگانه فوق در چارک‌های راست بالا، بیرونی - فردی (رفتارها «آن»)، چپ بالا، درونی - فردی (تجارب «من»)، راست پایین، بیرونی - جمعی (سیستم‌ها «آنها») و چپ پایین، درونی - جمعی (فرهنگ‌ها «ما») قرار می‌گیرد:

حدود ساحت الگوی تربیت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران در چارک راست پایین، بیرونی - جمعی

(سیستم‌ها «آنها») قرار می‌گیرد و شامل زیرمؤلفه‌های ذیل است:

- ✦ بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی؛
 - ✦ ناظر به رشد و تقویت مرتبه قابل قبولی از جنبه دینی و اخلاقی حیات طیبه در وجود آموزش‌گیرندگان؛
 - ✦ دربرگیرنده کلیه تدابیر و اقدامات به‌منظور ارتقا ایمان و پیروی آگاهانه و اختیاری آموزش‌گیرندگان نسبت به ارزش‌ها، باورها، اعمال و صفات اعتقادی عبادی و اخلاق؛
 - ✦ در راستای توسعه و تعالی هویت دینی و اخلاقی متربیان؛
 - ✦ ناظر به کسب شایستگی‌های تبدیل آموزش‌گیرندگان به شهروندانی فعال و آگاه؛
 - ✦ متربیان دخیل در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی.
- گستره (قلمرو) الگوی تربیت سیاسی را می‌توان در چارک راست بالا، بیرونی - فردی (رفتارها «آن») قرار داد. در ادامه زیرمؤلفه‌های مربوطه آمده است:
- ✦ ارتباط مناسب با دیگران (اعضای خانواده، دوستان، فامیل، همسایگان همکاران و...)
 - ✦ تعامل مناسب با دولت و سایر نهادهای مدنی و سیاسی؛
 - ✦ تبعیت و تمکین از قانون، مشارکت اجتماعی و سیاسی، مسئولیت‌پذیری، احترام به ارزش‌های اجتماعی؛
 - ✦ تحصیل دانش و اخلاق اجتماعی و مهارت‌های ارتباطی؛
 - ✦ رواداری (تساهل و تسامح)، درک و فهم اجتماعی، وفاق و همدلی، صبوری، فهم سیاسی عدالت اجتماعی؛
 - ✦ تعامل میان فرهنگی، تفاهم بین‌المللی؛
 - ✦ حفظ وحدت و تفاهم؛
 - ✦ قابلیت‌های زبان ملی (فارسی) محلی، جهانی (عربی انگلیسی و...).
- رهیافت (رویکرد) تربیت سیاسی در چارک چپ بالا، درونی - فردی (تجارب «من») قرار گرفت. زیرمؤلفه‌های آن به شرح ذیل است:
- ✦ تربیت برای عضویت فضیلت‌محور تربیت‌شدگان در «خانواده صالح و جامعه صالح»؛
 - ✦ ارتباط با خانواده یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های ارتباط در شکل‌گیری بنیادهای هویت انسان‌ها؛
 - ✦ زندگی خانوادگی، آمادگی برای آن و شکل‌گیری و ادامه یافتن این شکل از زندگی اجتماعی از مؤلفه‌ای اصلی تربیت اجتماعی؛
 - ✦ توجه تربیت رسمی و عمومی به نقش‌های جنسیتی مانند نقش پدری و نقش مادری؛

- ♦ ایجاد آمادگی برای حضور در جامعه صالح، به لحاظ اهمیت کلیدی واژه شهروندی؛
- ♦ مشکلاتی که در حوزه اجتماعی در کشور شکل می‌گیرند؛ ضرورت بازاندیشی در تربیت شهروندی را
بیش‌ازپیش نمایان می‌سازند؛
- ♦ تربیت شهروندان خوب، دغدغه بیشتر نظام‌های تربیتی در کشورهای دنیا؛
- ♦ توجه به روابط سازنده آموزش‌گیرنده و جامعه.
- اصول حاکم بر الگوی تربیت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران در چارک چپ پایین، درونی - جمعی -
(فرهنگ‌ها «ما») دسته‌بندی شد. مواردی که در ادامه می‌آیند، زیرمؤلفه‌های آن هستند:
- ♦ مدنظر قرار گرفتن فردیت متمایز آموزش‌گیرنده و جامعه؛
- ♦ توجه به شایستگی‌های اساسی برای مشارکت فعال (عمل آگاهانه و آزادانه) آموزش‌گیرندگان در زندگی
خانوادگی، مدرسه‌ای، اجتماعی و سیاسی (مدیریت زندگی فردی و اجتماعی)؛
- ♦ توجه به شایستگی‌های پایه لازم برای شکل‌گیری خانواده صالح همانند مؤلفه اساسی و تداوم‌بخش
حیات جامعه صالح؛
- ♦ گزینشی به دامنه سنت‌های اجتماعی در بستر فرهنگ و روابط خانوادگی و اجتماعی؛
- ♦ اصول تعیین‌کننده در زمینه الگوی تربیت سیاسی؛
- ♦ تأکید بر ظلم‌ستیزی و عدم ظلم‌پذیری؛
- ♦ تأکید بر تحمل دیدگاه‌های مخالف و خرده‌فرهنگ‌ها در سطح ملی و جهانی؛
- ♦ توجه به میراث ادبیات فارسی به‌منظور انتقال ارزش‌های اصیل اخلاقی؛
- ♦ نفی تفکیک سکولار میان دین و سیاست، اختیار، حق و تکلیف و وظیفه و کار و عبادت؛
- ♦ تأکید بر هویت مشترک (انسانی، اسلامی، ایرانی) برای تقویت وحدت ملی و انسجام اجتماعی؛
- ♦ تأکید بر قانونمندی و قانون‌مداری (قبول قانون اساسی کشور همانند میثاق ملی)؛
- ♦ تأکید بر پرورش منش آزادی در هویت آموزش‌گیرندگان؛
- ♦ تدارک دیدن زمینه خروج آموزش‌گیرنده از خودمحوری، خودکامگی و استبداد؛
- ♦ توجه به حقوق و مسئولیت‌های خانوادگی و اجتماعی به‌صورت دو عنصر مکمل؛
- ♦ توجه به بازیابی و نقد پیوسته موقعیت خود و دیگران و اقدام برای اصلاح و بهبود مداوم آن؛
- ♦ تأکید بر اصل پذیرش ولایت رهبران الهی و تولی (دوستی و مودت با دوستان خدا) و تبرّی (دشمنی با
دشمنان راه خدا)؛

♦ تأکید بر رسالت جهانی و مسئولیت بشری و توسعه عدالت در جهان؛
 ♦ توجه به میراث ارزشمند فرهنگ و تمدن اسلامی و ایرانی در راستای ایجاد هویت مشترک ایرانی و اسلامی.

۱۰. مدل‌سازی تربیت سیاسی رسمی براساس کنشگری آگاهانه در جمهوری اسلامی ایران

برای مدل‌سازی الگوی تربیت سیاسی رسمی در جمهوری اسلامی ایران از مؤلفه‌های مذکور و مبانی منتج شده می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

♦ مدل پیشنهادی می‌تواند به منزله چارچوب نظری استواری برای نقد، اصلاح و تحول اساسی نظام تربیتی جمهوری اسلامی ایران مورد استفاده قرار گیرد. افزون‌بر این، به نظر می‌رسد بخش نخست این مجموعه (فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران) به‌خوبی می‌تواند برای تحول اساسی موردنظر در دیگر بخش‌های نظام تربیت رسمی و غیررسمی - در همه سطوح و مؤلفه‌ها - سودمند واقع شود و به لحاظ مفهومی نیز، ارتباطی منطقی را بین همه انواع تربیت و میان نظام‌های تربیت رسمی با نهادهای تربیت غیررسمی در کشور، ایجاد نماید.

- در مدل پیشنهادی فلسفه تربیت سیاسی در جمهوری اسلامی مبتنی بر کنشگری آگاهانه، مبانی و اهداف حکومت دینی و تربیت سیاسی به شرح ذیل است:

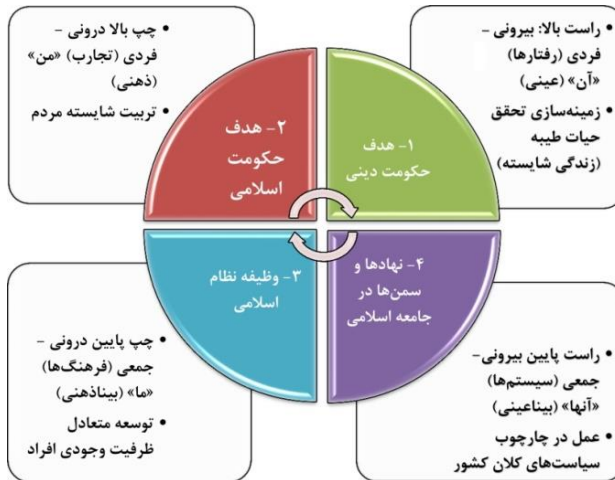
♦ هدف حکومت اسلامی، زمینه‌سازی برای تحقق حیات طیبه است.
 ♦ در حکومت اسلامی، مجموعه نهادهای فرهنگی کشور باید به‌صورت هماهنگ در چارچوب سیاست‌های کلان کشور و سیاست‌های کلی بخش فرهنگ (مصوب مقام رهبری) عمل کنند.
 ♦ تربیت شایسته عموم مردم به لحاظ حاکمیت اصل مردم‌سالاری دینی هدف و راهکار اصلی حفظ و تداوم نظام سیاسی مطلوب به‌شمار می‌آید.
 ♦ در حکومت اسلامی، پیشرفت جامعه وسیله‌ای برای بسط هماهنگ و متعادل ظرفیت‌های وجودی است.

♦ افراد و تعالی تجارب متراکم جامعه در جهت تحقق حیات طیبه است.
 ♦ جهت‌گیری تربیتی در حکومت اسلامی، یکی از اولویت‌های اساسی نهادهای اجتماعی و سیاسی و اقتصادی به‌شمار می‌رود.

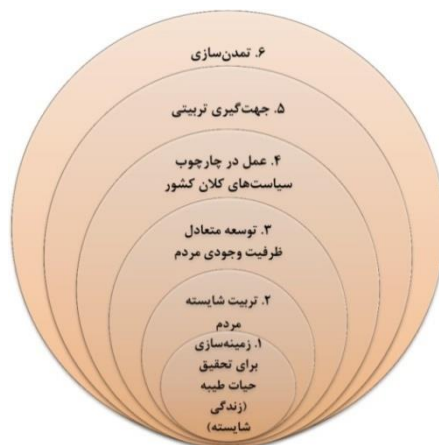
♦ درنهایت، تمدن‌سازی در زمینه مواجهه با مظاهر مدرنیته، جهت‌گیری مختار و برگزیده است.
 در مدل‌سازی تربیت سیاسی برای جمهوری اسلامی ایران، علاوه بر مباحث فلسفه تربیت در جمهوری

اسلامی ایران (مبانی، چیستی، چرایی و چگونگی تربیت)، برخی از گزاره‌های مقبول در مباحث سیاسی، حقوقی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی نیز به اقتضای ماهیت این نوع تربیت، به‌عنوان مبانی تربیت رسمی و عمومی مورد توجه قرار گرفته‌اند.

در نمودار شماره (۱)، نسبت مبانی تربیت سیاسی با هم آمده است. چنانچه ملاحظه می‌شود، قالب مبانی را نهادهای حکومتی و سیاسی تشکیل می‌دهند (دایره مرکزی)، که به شکل منسجم و از کلان به خرد سازمان یافته‌اند. به تعبیر دیگر، ساختار سیاسی به‌گونه‌ای تنظیم شده، که بتواند با درهم‌آمیختگی و یکپارچه‌سازی چهار چارک راست بالا بیرونی - فردی - رفتارها «آن»، چپ بالا درونی - فردی - تجارب «من»، راست پایین بیرونی - جمعی - سیستم‌ها «آنها» و چپ پایین درونی - جمعی - فرهنگ‌ها «ما»، به‌عنوان یک ابزار در جهت تحقق تربیت کنشگران آگاه و فعال برای تحقق حیات طیبه (هدف برپایی حکومت دینی) کارساز باشد. از طرفی، هر یک از ساختارهای حکومتی، وظیفه‌ای در محتوای تربیتی دارند. طبق این مدل، هدف حکومت دینی، تحقق زندگی شایسته مطابق با معیار و هدف حکومت اسلامی، تربیت شایسته مردم مطابق با نظام معیار اسلامی و وظیفه نهادها و نظام اسلامی جهت‌گیری تربیتی با رویکرد تمدن‌سازی است. نمودار شماره (۲) به‌خوبی این مهم را نشان می‌دهد که هدف از تشکیل حکومت دینی، تربیت و هدایت شایسته مردم است که درنهایت منجر به تمدن‌سازی می‌شود.



نمودار ۱- ادغام و یکپارچه‌سازی مبانی تربیت سیاسی



نمودار ۲- بایسته‌های تربیت سیاسی مبتنی بر کنشگری آگاهانه در جمهوری اسلامی ایران

بنابراین، تکوین و تعالی پیوسته هویت آموزش‌گیرندگان به‌گونه‌ای است که بتوانند موقعیت خود و دیگران در هستی را به صحت درک برسانند و آن را به‌طور مستمر با عمل صالح فردی و جمعی که همسو با نظام معیار اسلامی است، تصحیح کنند. لذا، با توجه به روند تکوین و تحول هویت، لازم است آموزش‌گیرندگان نخست مجموعه‌ای از شایستگی‌های لازم را کسب نمایند. از این‌رو، شایستگی‌های لازم، بیان تفصیل یافته‌ای از همان هدف کلی فرایند تربیت به‌شمار می‌روند که آن‌ها را می‌توان براساس انواع تربیت، و اهداف متنوع فرایند تربیت مورد اشاره قرار داد و به این باور قلبی رسید که آموزش‌گیرندگان با توجه به آن‌ها و تلاشی که برای به دست آوردن این صفات و توانایی‌ها انجام می‌دهند، به تحقق هدف کلی فرایند تربیت و نتیجه آن، نیل خواهند شد.

افزون بر مباحث فوق، باید توجه داشت که مهم‌ترین اندیشه حاکم بر نظام تربیتی جمهوری اسلامی ایران، ریشه در اندیشه اسلامی دارد؛ بدین مفهوم که هستی مراتبی بی‌انتها دارد و انسان در دایره هستی، موجودی ناتمام و در مسیر رسیدن به کمال در نظر گرفته می‌شود. اصل تأسیس جامعه اسلامی مقاصد و اهداف ویژه‌ای است که در دیدگاه اسلامی تعریف شده است و به منزله غایت، رسالت و فلسفه دین مورد اشاره قرار می‌گیرند. فلسفه دین به فلسفه انقلاب دینی، سپس به فلسفه حکومت دینی و درنهایت به فلسفه شکل دادن نهادهای اجتماعی و اقدامات مربوط به آن گسترش پیدا می‌کند. لذا، هدف از تشکیل حکومت اسلامی، متناسب با هدف دین، زمینه‌سازی برای تحقق حیات طیبه است؛ و نه دولت رفاه. حتی در حکومت اسلامی تأمین رفاه نیز باید «زمینه‌ساز تحقق حیات طیبه» باشد. بنابراین، تشکیل حکومت در دولت اسلامی، هدف

اصلی به‌شمار نمی‌رود، بلکه هدف کلیدی آن فراهم کردن زمینه برای نیل به حیات طیبه است و هرچند با عنایت به نقش حرکت آگاهانه و اختیاری افراد جامعه در تحقق حیات طیبه، دولت اسلامی بیش از هر موضوع بر تربیت افراد جامعه تمرکز می‌کند؛ درعین حال، از آنجاکه تأمین رفاه و امنیت و مانند اینها بر موفقیت هدایت و تربیت آحاد مردم تأثیر آشکار دارد، دولت زمینه‌ساز تحقق حیات طیبه نیز مؤظف است به تأمین رفاه و امنیت مردم، همچون مقدمه‌ای برای تحقق حیات طیبه همت گمارد.

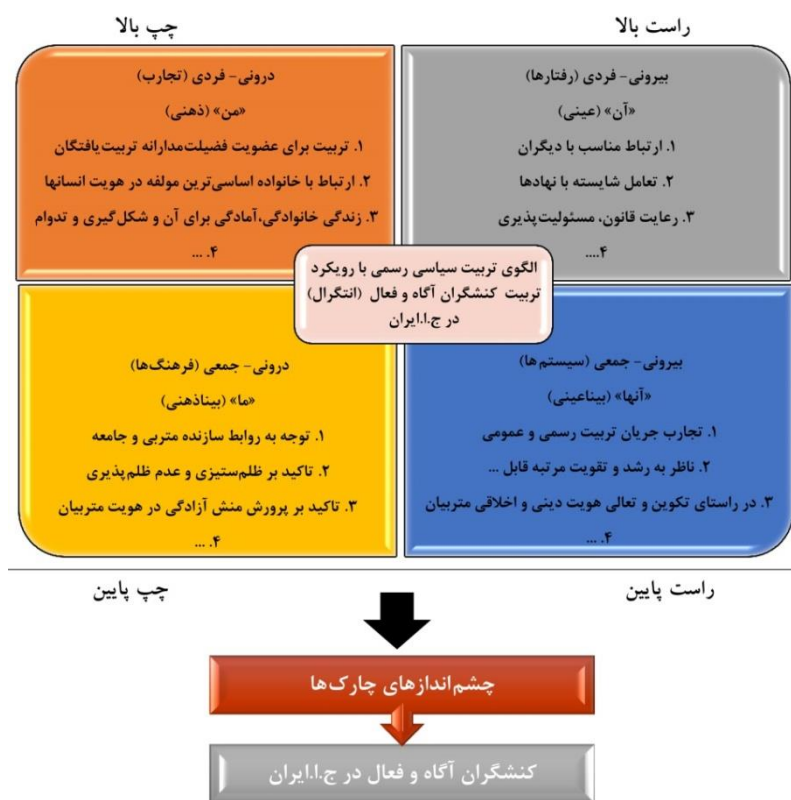


شکل ۴- اهداف تربیت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران

۱.۱. نتیجه‌گیری

علی‌رغم اینکه تربیت سیاسی از قدیم مورد توجه بوده است و موضوع جدیدی نیست، اما با توجه به پیچیدگی‌های روزافزون عصر حاضر و تراکم مناسبات و رقابت‌های سیاسی از یک‌سو و فهم این مناسبات بسیار پیچیده از طرف شهروندان و تصمیم‌گیران و رهبران از سوی دیگر، ضرورت بازبینی در الگوهای تربیت سیاسی رسمی، دستیابی به الگوهای نوین متناسب تجارب تاریخی و موقعیت‌های خاص هر کشور و هر محدوده فرهنگی را از جانب دولت‌ها آشکار می‌سازد. از این‌رو، پژوهش حاضر در پاسخ به سؤال اصلی تحقیق درباره مؤلفه‌ها و ویژگی‌های الگوی تربیت سیاسی متناسب با کشور ایران نشان داد که رویکردهای مکاتب بحث شده از جمله کلاسیک، مدرن یا اسلامی از یک یا دو و نهایتاً سه منظر می‌توانستند به امر تربیت سیاسی بپردازند؛ لذا، قادر به آفرینش کنشگر آگاه و فعال سیاسی هدف مورد نظر پژوهش نبودند. الگوی ارائه

شده در پژوهش می‌تواند همزمان چهار چارک بیرونی (عینی)، درونی (ذهنی)، فردی جمعی، بیناذهنی و بیناعینی که دربرگیرنده تمام مؤلفه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... جامعه و انسان‌هاست را در نظر داشته باشد و به علت ویژگی اصل یکپارچه‌سازی که شامل اصل عدم طرد، اصل پوشش و دربرگیرندگی، اصل تقرر و تصویب در روش انتگرال است، با ادغام و اعمال مؤلفه‌های چارچوب مذکور، رسیدن به هدف خود که الگوی تربیت سیاسی رسمی با رویکرد تربیت‌کنشگران آگاه و فعال در جمهوری اسلامی ایران است را فراهم سازد. نتیجه نهایی پژوهش در شکل (۵) آمده است.



شکل ۵- الگوی تربیت سیاسی رسمی با رویکرد تربیت‌کنشگران آگاه و فعال سیاسی در جمهوری اسلامی ایران

منابع

- ابن‌سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۷۹). *النجاه من الغرق فی البحر الضلالات*. ویرایش و مقدمه محمدتقی دانش‌پژوه. تهران: دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- ارسطو (۱۳۷۸). *سیاست*. ترجمه حمید عنایت. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- افتخاری، اصغر؛ مهجور، حمید (۱۳۹۵). *الگوی تربیت سیاسی از دیدگاه شهید مطهری. رهیافت/انقلاب اسلامی*، شماره ۳۶.
- افلاطون (۱۳۸۶). *جمهور*. ترجمه فواد روحانی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ویرایش هشتم.
- بزرگر، رقیه و همکاران (۱۳۹۸). *تربیت سیاسی: اهداف، سازوکارها و بایسته‌های روشی آن. رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، شماره ۳.
- پولادی، کمال (۱۳۸۳). *تاریخ اندیشه سیاسی در غرب، از سقراط تا ماکیاولی (کتاب اول)*. تهران: نشر مرکز.
- پیوزی، مایکل (۱۳۷۸). *یورگن هابرماس*. ترجمه احمد تدین. تهران: نشر هرمس.
- جراحی دربان، مهدی؛ بابازاده، مجید؛ رودمقدس، رمضانعلی (۱۳۹۳). *مبانی، اصول و روش‌های تربیت سیاسی در اسلام از منظر قرآن. بصیرت و تربیت اسلامی*، ۱۱(۳۱).
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). *لغت‌نامه*. تهران: انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- دورژه، موریس (۱۳۷۷). *اصول علم سیاست*. ترجمه ابوالفضل قاضی شریعت پناهی. تهران: نشر دادگستر.
- ردهد، برایان (۱۳۷۵). *اندیشه سیاسی از افلاطون تا ناتو*. ترجمه مرتضی کاخی و اکبر افسری. تهران: نشر نقش جهان.
- رهنما، اکبر؛ سبحانی‌نژاد، مهدی؛ علیین، حمید (۱۳۷۹). *درآمدی بر مبانی، اصول و روش‌های تربیت سیاسی از منظر امام علی (ع) در نهج‌البلاغه. تربیت اسلامی*، شماره ۴.
- سلحشوری، احمد؛ یداللهی‌فر، محمدجواد؛ خنکدار طارسی، معصومه (۱۳۹۱). *مبانی و مولفه‌های تربیت سیاسی از دیدگاه امام خمینی. پژوهشنامه انقلاب اسلامی*، شماره ۵.
- سند تحول بنیادین آموزش و پرورش*، ۱۳۹۰.
- شفیعی قهفرخی، امید (۱۳۹۰). *سیاست در سپهر سعادت*. سوره مهر، شماره ۵۲-۵۳.
- عالم، عبدالرحمان (۱۳۹۴). *بنیادهای علم سیاست*. تهران: نشر نی.
- عنایت، حمید (۱۳۹۹). *بنیاد فلسفه سیاسی در غرب از هرakلیت تا هابز*. نشر دانشگاه تهران، چاپ هفتم.
- عیسی‌نیا، رضا (۱۳۸۷). *ویژه‌نامه تربیت سیاسی. راه تربیت*، شماره ۵.
- غنی‌لو، محمدرضا؛ شریفی، محمد (۱۳۹۵). *بررسی مبانی نظری تربیت سیاسی و اجتماعی. مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی*، شماره ۲.
- فارابی، ابونصر (۱۴۰۵ق). *الجمع بین رأی‌الحکیمین*. قدم له و علق علیه الدكتور البیرنصری نادر. المكتبة الزهراء.
- فوزی، یحیی؛ کریمی بیرانوند، مسعود (۱۳۹۰). *نقش حکومت در تربیت؛ بررسی مقایسه‌ای دیدگاه افلاطون و امام خمینی. اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، شماره ۱.
- فوس، کلینت (۱۴۰۱). *بسوی معرفت‌شناسی انتگرال*. ترجمه مجید گل‌پرور. بی‌نا.

محمدی پویا، فرامرز؛ صالحی، اکبر؛ مومیوند، فاطمه (۱۳۹۴). تحلیل محتوای نهج البلاغه براساس ساحت‌های شش‌گانه. پژوهشنامه نهج البلاغه، شماره ۱۰.

نظام‌الملک، حسن بن علی (۱۳۸۶). سیاست‌نامه (سیرالملوک). مصحح عزیزالله علیزاده. تهران: فردوس.

تقیب‌زاده، احمد؛ فاضلی، حبیب‌الله (۱۳۸۵). درآمدی بر پدیدارشناسی به‌مثابه روش علمی. پژوهشنامه علوم سیاسی، (۲)، ص ۳۰-۵۴.

هابز، توماس (۱۳۸۰). لویاتان. ترجمه حسین بشیریه. تهران: نشر نی.

وینست، اندرو (۱۳۸۱). نظریه‌های دولت. ترجمه حسین بشیریه. نشر نی.